

## نقش آموزش زبان فارسی در جهت‌دهی به تنوع فرهنگی در مدارس

رسول چهره‌قانی منتظر<sup>۱</sup>

**چکیده:** کشور ایران با داشتن ملیت‌ها و اقوام گوناگون، دارای تنوع فرهنگی بسیار بالایی است. آموزش زبان فارسی در مدارس که مستعدترین افراد جامعه را در خود جای داده است، می‌تواند در جهت‌دهی به این تنوع فرهنگی سهم به‌سزایی داشته باشد. این نوشتار به روش تحلیلی، به معرفی نمونه‌های تنوع عناصر فرهنگی میان اقوام گوناگون پرداخته، نقش وجود یک زبان مشترک- فارسی- را در میان این اقوام، در هدایت و همگرایی تفاوت‌های فرهنگی، مورد بررسی قرار می‌دهد. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد، که اگر ملیت‌های مختلف بتوانند با زبانی مشترک با یکدیگر ارتباط و تعامل برقرار کنند، از میزان تعصب‌های قومی آن‌ها کاسته شده، همه خرده‌فرهنگ‌ها در یک راستا پیش می‌روند. پژوهش در چنین زمینه‌هایی می‌تواند گامی مؤثر در رسیدن به فرهنگی مرکزی و یگانگی ملی باشد.

**واژگان کلیدی:** زبان فارسی، آموزش، تنوع، عناصر فرهنگی، مدارس.

### Role of Persian Language Training in Cultural Diversity of Guidance School Students

Rasool Chehrehani Montazer

Assistant Prof. Faculty of Humanities ShahidRajaei Teacher Training Uni.

**Abstract:** Iran with various nationalities and people has very high cultural diversity. Persian language training in schools where the most talented individuals of society are there can have great share to guidance this cultural diversity. This article introduces samples of diversity of cultural elements among various people by analytical method and studies the role of existence of a common language among these nationalities to guidance and convergence cultural differences. Achievements of the research point out that if different nationalities can communicate and interact up with each other by a common language, their ethnic prejudice rate would be reduced and all subcultures go forward in a line. Research in such context can be an effective move to achieve central culture and national unity.

**Keywords:** Persian Language, Training, Diversity, Cultural Elements, Schools.

<sup>۱</sup> استادیار ادبیات فارسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی rasool3283@gmail.com

**۱- مقدمه**

«زبان هر ملت تنها وسیله سخن گفتن و رفع نیازمندی‌های روزانه وی نیست، بلکه وسیله اندیشیدن، جهان‌بینی، عمل اجتماعی، هویت اجتماعی و روابط خرد و کلان با یکدیگر و با جهان پیرامون و با زمان‌های گذشته، حال و آینده است» [۱].

زبان از مهم‌ترین عوامل ایجاد علقه‌های فرهنگی است که در کنار مؤلفه‌هایی چون دین، فولکلور، عرف و عادات، نقشی اساسی در تکوین و ترویج همبستگی‌های اجتماعی بر عهده دارد. کشور ایران دارای گویش‌های مختلف، فرهنگ‌های قومی، خرده‌فرهنگ‌ها، قبایل، عشایر، طوایف و نژادهای مختلفی است. نخستین و مهم‌ترین راه برقراری ارتباط بین اقوام مختلف با فرهنگ‌های گوناگون، دستیابی به زبانی مشترک است. یگانگی زبان، یگانگی فرهنگ را در پی خواهد داشت، و پیامد آن‌ها، ارتباط بیشتر و نزدیک‌تر میان افراد جامعه است. در میان اقشار گوناگون جامعه، نوجوانان و جوانان برای جذب و انتقال فرهنگ، مستعدترین افراد هستند. بسیاری از صاحب‌نظران شکل‌گیری هویت را مرحله بحرانی دوره جوانی می‌دانند؛ زیرا در این دوران، جوانان به بلوغ شناختی و اجتماعی ویژه خود می‌رسند، و در این مرحله قدرت و ظرفیت بررسی و ارزیابی انتزاعی مفاهیمی همچون ملیت، نژاد و قومیت را دارند.

**۱-۱- پیشینه پژوهش**

آموزش زبان فارسی و فرهنگ، هر دو از مباحث بسیار مهم و درخور توجه متخصصان عصر حاضر هستند، و آثار ارزنده بسیاری، اعم از کتاب و مقاله و رساله و طرح پژوهشی در این زمینه‌ها نوشته شده است. بسیاری از این نوشتارها با رویکرد رابطه فرهنگ و زبان تألیف شده است؛ اما در این نوشتار توجه ویژه‌ی ما تنوع‌های فرهنگی است، برای نخستین بار به نقش آموزش زبان فارسی در جهت‌دهی تنوع فرهنگی با محوریت مدارس می‌پردازیم.

**۱-۲- فرضیات پژوهش**

در نوشتار حاضر با این فرضیات، پژوهش در پیش گرفته شده است که:

الف- به دلیل وجود ملیت‌ها و اقوام گوناگون در ایران، تنوع فرهنگی بالایی در کشور وجود دارد.

ب- آموزش زبان فارسی در مدارس، سبب برقراری ارتباط و تعامل میان ملیت‌های مختلف شده، تنوعات فرهنگی را هدایت می‌کند.

**۱-۳- پرسش‌های پژوهش**

الف- تنوع فرهنگی در کدام مؤلفه‌ها بسامد بالایی دارد؟

ب- آموزش زبان فارسی در مدارس، چگونه می‌تواند به جهت‌دهی تنوع فرهنگی ملیت‌های مختلف کمک کند؟

**فرهنگ**

تایلر در سال ۱۸۷۱ میلادی در اثر خود با عنوان «فرهنگ ابتدایی»، فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی دانست که فرد به عنوان عضو جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد [۲].

تفاوت میان فرهنگ‌ها به مؤلفه‌هایی همانند تاریخ، زبان، اعتقادات، آداب و رسوم، نهادهای اجتماعی و نژاد بر می‌گردد. مؤلفه‌هایی که به خاطر پیوند نزدیکشان با یکدیگر، بر اثر گذر ایام برآیند خاصی را به وجود می‌آورند، همانا هویت و روح کلی کشورهاست [۳]. ایران به دلیل داشتن اقوام و ملیت‌های مختلف، فرهنگ‌های قومی بسیاری را در خود جای داده، تنوع فرهنگی بسیار بالایی دارد، که سازمان‌دهی و هدایت درست آن‌ها برای رسیدن به فرهنگی مرکزیت‌محور، از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که باید در مهندسی فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

هر فرهنگ برای داشتن سهمی در تحولات جهان، نیازمند عرضه و ارائه خود با یکی از ابزارهای ارتباطی موجود است، که بی‌گمان زبان از مهم‌ترین این ابزارها دانسته می‌شود. در بافت آموزش فرهنگ و زبان، کار با صورت‌های گفتاری و نوشتاری ادبیات در وارد شدن به آنچه برخی افراد آن را تجارب خارجی می‌دانند، نقشی مؤثر داشته است که خود، این موارد را دربرمی‌گیرد: شیوه‌های دیگر زندگی، شیوه‌های دیگر نگرش به دنیا، شیوه‌های دیگر تجسم، و حالات تفکر. از سوی دیگر این امر، ابزاری کارآمد برای آگاهی از دیدگاه‌های دیگران در بافت‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی به شمار می‌آید [۴].

## ۲- روش تحقیق

پژوهش پیش رو به روش توصیفی- تحلیلی به انجام رسیده است و در گردآوری داده‌ها از منابع مختلف کتابخانه‌ای و اسنادی بهره گرفته شده است. ضمن این که تلاش شده در استخراج و تحلیل داده‌ها شیوه استقرایی نیز مد نظر باشد.

## ۳- یافته‌های پژوهشی

وجود اقوام و ملیت‌های مختلف در ایران، سبب گسترش تنوع هویت قومی در این کشور شده است. هویت قومی از نوع هویت اجتماعی است و «مجموعه خاصی از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد» [۵] و این دقیقاً همان مسأله‌ای است که اگر به افراط گراییده شود، می‌تواند سبب انزوای خرده‌فرهنگ‌ها شده، به همبستگی ملی آسیب وارد سازد.

در داخل کشور ایران زبان فارسی با گویش‌های مختلف آن، زبان مادری نیمی از مردم است. نیمی دیگر به زبان‌های محلی چون ترکی، کردی، لری، گیلکی، مازندرانی، بلوچی، عربی، ارمنی و... سخن می‌گویند؛ اما زبان فارسی که زبان اول این کشور است هرگز از سوی سایر گروه‌های زبانی به نحو جدی مورد سؤال واقع نشده و آن را امری تحمیلی نمی‌دانند [۶].

یادگیری زبان در طول حیات انسان از نظر معرفت‌شناختی، تجربه‌ای است بی‌همتا برای جواز ورود به قلمرو توانمندی‌های معرفتی جدید و متحول کردن کارکردهای عالی ذهن. این تجربه بی‌همتای انسانی، نه تنها می‌تواند در ساختار و تجدید سازمان‌بندی کارکردهای ذهن تأثیر بگذارد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز مجهز شدن ذهن به تفکر نظری و استدلالی- کلامی و آفرینش‌های جدید فکری شود. اثرات مثبت این تجربه بی‌همتای معرفتی، تنها در بستر شرایط فرهنگی و شیوه مناسب یادگیری زبان امکان‌پذیر است [۷].

دانش‌آموزان مدارس در اوج شکوفایی بوده، فوق‌العاده مستعد یادگیری هستند، و در راه جامعه‌پذیری گام برمی‌دارند؛ بنابراین بهترین جایگاه برای سرمایه‌گذاری فرهنگی محسوب می‌شوند. آموزش زبان فارسی به

دانش‌آموزانی که زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون دارند، پلی برای برقراری ارتباط میان فرهنگ‌های گوناگون و ایجاد تعامل میان آن‌ها است. این تعاملات فرهنگی در مؤلفه‌های گوناگونی چون زبان، مذهب، اقتصاد، سیاست، هنر و ... به وقوع می‌پیوندد، و همه آن‌ها را در یک سوی هدایت می‌کند.

## ۱-۳- تنوع زبانی

زبان نه تنها به عنوان محصولی اجتماعی، ابزار و وسیله ارتباطات به شمار می‌رود، بلکه خود به عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی که در تولید و بازتولید فرهنگ و هویت ویژه هر جامعه نقش مهمی دارد، محسوب می‌شود. زبان یک ملت، نظام معنایی یک ملت است و ابزاری مهم برای حفظ، شکل‌گیری و انتقال فرهنگ به شمار می‌آید [۱]. زبان به دلیل داشتن دو نقش و کارکرد، مهم‌ترین مؤلفه فرهنگی است؛ زیرا علاوه بر این که یکی از عناصر فرهنگی است، مهم‌ترین ابزار ارتباط میان فرهنگ‌ها نیز به شمار می‌رود. آن چه پیشرفت و گسترش ملیت‌های مختلف ایرانی را تهدید می‌کند، تعصبی است که بر روی زبان‌ها و فرهنگ‌های قومی متمرکز شده است. این پندار نادرست در میان اقوام و ملیت‌ها وجود دارد که برای حفظ و پاس‌داشت زبان و فرهنگ خود، باید حصار پیرامون آن کشیده، از ورود فرهنگ‌های دیگر جلوگیری کنند، حال آن که این وضعیت به رکود و عقب‌ماندگی فرهنگ‌ها می‌انجامد. آن چه سبب تفکیک و دوری اقوام گوناگون از یکدیگر می‌شود، تمرکز و تأکید بر تفاوت‌ها و تمایزها است؛ پس مهم‌ترین عملکرد در بهبود اوضاع، ایجاد و افزایش اشتراکات است. فراگیری یک زبان مشترک، به خلق یک وجه اشتراک بسیار بااهمیت میان ملیت‌های گوناگون منجر می‌شود، که نیازی به اثبات برتری نخواهد داشت.

## ۲-۳- تنوع مذهبی

ایران بر سر راه‌های بزرگ اقتصادی و تجاری قرار داشت و محل تلاقی افکار شرق و غرب بود. همین موضوع سبب ورود اندیشه‌های گوناگون و ادیان و مذاهب مختلف مانند بودایی، مسیحیت، یهودیت و ... به این سرزمین می‌شد [۸]. گوناگونی اقوام و ملیت‌های مختلف در ایران با حضور ادیان و مذاهب گوناگون همراه است؛ چنان که اقوام کرد و بلوچ و ترکمن، اهل تسنن هستند؛ اما هویت ایرانی مفهومی

فرهنگی تشریح کرد، و بر نقاط قوت آن‌ها تأکید نمود، و از دامنه اختلاف نظرهای فرهنگ‌سستیزانه کاست.

#### ۴-۳- تنوع دید اقتصادی

از جمله مسائل مهم در جامعه، مسائل اقتصادی است. اقتصاد و فرهنگ در یک جامعه، همواره در کنش متقابل هستند و می‌توانند یکدیگر را تحت تأثیر قرار دهند. «توسعه فرهنگی یکی از عوامل اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی است و حتی هویت ملی یا سازمانی جوامع، از طریق افزایش فعالیت‌های فرهنگی، یکی از پیش‌شرط‌ها و حتی شرط اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی است. جوامعی که در جست‌وجوی توسعه اقتصادی هستند با سازمان‌هایی که می‌خواهند کارایی و اثربخشی عوامل در اختیار خود را افزایش دهند، تا شاهد رشد بهره‌وری و شاخص‌های اقتصادی زیرمجموعه خود باشند، باید به این واقعیت توجه کنند که پیش‌برد اهداف سازمانی محتاج یک دید سیستمی و مجموعه‌نگر است، و تحقق اهداف اقتصادی، به طور طبیعی، بازسازی و توسعه عوامل دیگری مانند عوامل اجتماعی و فرهنگی را نیز به دنبال می‌آورد؛ و نمی‌توان اقتصاد یک جامعه یا یک سازمان را مستقل از متغیرهای دیگر مورد بازبینی و اصلاح قرار داد؛ زیرا فرهنگ اجتماعی در یک جامعه- یا فرهنگ سازمانی در یک سازمان- عملاً هم اهداف و هم کیفیات فعالیت‌های اقتصادی را تعیین می‌کند [۱۰].

در میان قومیت‌های مختلف ایران، اقتصاد بر فرهنگ مردم آن به شدت تأثیر گذاشته است. در میان این اقوام، چرخه اقتصاد از راه‌های گوناگونی به حرکت در می‌آید؛ مرکز و غرب ایران بر صنعت، جنوب بر نفت و شمال بر کشاورزی تکیه کرده است. در میان برخی اقوام، اقتصاد قدرتمند سبب احساس استقلال و بی‌نیازی آنان از دیگر ملیت‌ها شده است و این بزرگ‌ترین خطراتی است که اتحاد ملی را تهدید می‌کند؛ از این رو جهت بخشیدن به نظام‌های اقتصادی ملیت‌های مختلف و تعامل میان آن‌ها از اقدامات ضروری است. اقوام گوناگون باید پس از آشنایی با برکات و تأثیرات اقتصاد سایر ملیت‌ها، به تعامل با آن‌ها پرداخته، هر آنچه را در کشور وجود دارد، سرمایه ملی بدانند.

درب‌گیرنده همه ایرانیان، صرف نظر از اعتقادات دینی و مذهبی، قومیت، زبان یا گویش آنان است. این وضعیت تقریباً منحصر به فرد است؛ به‌ویژه که ایران اساساً خاستگاه برخی ادیان و غالب زبان‌های رایج این سرزمین و وطن بومی بیشتر اقوام ساکن آن است [۹].

آموزش زبان فارسی به دانش‌آموزان ملیت‌های مختلف و ایجاد توانایی برقراری ارتباط میان اقوام گوناگون، سبب آشنایی آن‌ها با ادیان و مذاهب گوناگون، آیین‌ها و سنن آن‌ها می‌شود و در پی این آشنایی‌ها، بسیاری از نقاط مشترک ادیان و مذاهب مختلف آشکار خواهد شد، و اقوام گوناگون با مذاهب مختلف، به مشترکات نوینی دست خواهند یافت. این نقاط مشترک همچنین می‌تواند پشتوانه محکمی برای کم‌رنگ کردن تفاوت‌ها و کاستن از تعصب‌ها باشند.

#### ۴-۳- تنوع پوشش

ملیت‌های مختلف ایرانی، پوشش‌های متفاوتی دارند، و در بسیاری از نقاط ایران، دانش‌آموزان با پوشش قومی خود به مدارس می‌روند. می‌توان گفت در میان همه عناصر و نشانه‌های فرهنگی، پوشش، قدرت نفوذ بیشتری دارد؛ زیرا نخستین چیزی است که در بدو امر به چشم می‌آید، و ضرورت آشنایی با آن بی‌نیاز از توضیح است؛ بنابراین به همین اندازه می‌تواند در ایجاد خطوط تمایز و تفاوت مؤثر باشد.

آموزش زبان فارسی به این دانش‌آموزان، سبب آشنایی آنان با فرهنگ مرکزی و نیز خرده‌فرهنگ‌ها خواهد شد. البته این دیدگاه هرگز به این معنی نیست که ملیت‌های مختلف از مؤلفه‌های فرهنگی خود جدا شده، به سرگردانی هویتی دچار شوند؛ بلکه از طریق این آموزش‌ها و آگاهی‌ها- که با زبان فارسی انجام می‌شود- دانش‌آموزان خواهند آموخت که برای حفظ ارزش‌ها و سنت‌ها و فرهنگ خود، نیازی در آسیب‌رسانی به فرهنگ مرکزی و اتحاد ملی نیست. یکسان‌پوشی دانش‌آموزان در مدارس می‌تواند گامی مؤثر در هم‌سو کردن این تنوع فرهنگی باشد؛ حال آن که ملیت‌های مختلف می‌توانند با پوشیدن لباس‌های سنتی خود در محافل و مجالس خصوصی، از فرهنگ و سنت خود پاسداری کنند. ضمن اینکه در قالب زبان فارسی، می‌توان فلسفه وجودی پوشش‌های مختلف را در جهت وحدت

#### ۵-۳- تنوع دید تاریخی و سیاسی

هنر شکل دادن فضا بر حسب نیازمندی‌ها و نگاه تلقی تاریخی آدمی نسبت به عالم و آدم و مبدأ عالم و آدم است، و با نوع فرهنگ دینی یا دنیوی انسان ربط پیدا می‌کند [۱۲] از این رو آثار معماری از سرمایه‌های فرهنگی یک ملیت به شمار می‌آید.

اقوام قشقایی و ترکمن و ... بر صنایع دستی، به‌ویژه قالی‌بافی تکیه کرده‌اند؛ موسیقی و ادبیات فولکلور کردی و ترکی غنای بسیاری دارد، که هر کدام از این شاخه‌های هنری و فرهنگی سبب تشخیص اقوام گوناگون شده است؛ اما آن‌چه باید مورد توجه قرار گیرد، جلوگیری از تملک اقوام گوناگون بر توانایی‌های هنری خود و انحصار آن‌ها است. هر یک از اقوام باید دارایی‌های خود را متعلق به کشور بدانند، و به تبادل آن با سایر اقوام بپردازند.

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

جمعیت ایران از ملیت‌ها و اقوام گوناگونی تشکیل شده که زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی دارند. برای بسیاری از دانش‌آموزان مدارس، زبان فارسی، زبان دوم آن‌ها محسوب می‌شود و حتی تعداد زیادی از آنان زبان فارسی را در مدارس می‌آموزند و پیش از ورود به مدرسه با آن آشنا نبوده‌اند. آموزش زبان فارسی سبب دستیابی ملیت‌های مختلف به یک وسیله ارتباطی بسیار مهم می‌شود؛ از ارتباطات روزمره گرفته تا آشنایی با ادبیات، فنون، هنر و اقوام گوناگون.

فراگیری یک زبان مشترک- فارسی- گذشته از پیامدهای بسیار مفیدی که بدان‌ها اشاره شد، سبب ایجاد یک وجه اشتراک و احساس نزدیکی میان اقوام گوناگون می‌شود. آن‌چه مانعی در راه یگانگی ملی محسوب می‌شود، تعصبات و افراط‌گرایی‌های قومی است. اقوام مختلف دارای تنوعات زبانی، مذهبی، غذایی، پوشش، دید اقتصادی، دید تاریخی، دید هنری و فکری و عاطفی هستند. هر یک از ملیت‌های مختلف با تکیه بر پیشینه تاریخی و فرهنگی، و سرمایه‌های اقتصادی خود، خویشان را برتر و بی‌نیاز از سایر اقوام می‌پندارد. این دیدگاه، نه تنها به وحدت ملی آسیب می‌رساند، بلکه سبب انزوا و رکود ملیت‌های مختلف از جهات گوناگون خواهد شد. برقراری ارتباط و تعامل، مهم‌ترین ابزار پیشرفت و گسترش فرهنگ‌های قومی

اهمیت عنصر تاریخ در شکل‌دهی هویت، تا بدان حد است که هابزبام شکوفا شدن ملت‌ها و ملی‌گرایی در اروپا را مدیون تاریخ، اسطوره‌ها و نمادپردازی ملی می‌داند. مارکس و انگلس هم درباره نقش تاریخ در ملت‌سازی اهمیت بسیار قائل هستند؛ به نحوی که ملت‌های بزرگ و تاریخی راه، دارای معیارهای لازم برای تشکیل دولت ملی پایدار می‌دانند [۱۱].

کشور ایران با پیشینه باستانی، رویدادهای تاریخی بسیاری را پشت سر نهاده است؛ از قیام بابک خرم‌دین و ابومسلم خراسانی گرفته تا ملی شدن صنعت نفت و انقلاب مشروطه، که در نواحی مختلف به رهبری رجالی تاریخی و سیاسی چون مصدق، مدرس، علی دلواری، ستارخان، باقرخان و میرزا کوچک خان جنگلی به وقوع پیوسته است، و هر کدام به گوشه‌ای از ایران و قومیتی خاص تعلق داشته‌اند. پادشاهان ایران نیز پایتخت‌های متفاوتی داشتند، و امروزه تقریباً همه ملیت‌های ایرانی، در جایی زندگی می‌کنند که زمانی پایتخت و مرکز قدرت بوده است؛ از همین رو در پی اندیشه استقلال‌طلبی و برتری‌جویی که در میان اقوام مختلف وجود دارد، هر یک از آنان به پیشینه تاریخی خود می‌بالد و آن را سندی بر توانایی امروز خود می‌پندارد. چشم بر دیگر رویدادها و پیشینه‌های تاریخی بسته، تنها از زاویه ملیت و فرهنگ خود، کشور را می‌بیند. آشنایی اقوام و ملیت‌های مختلف با بزرگان و رویدادهای تاریخی سایر نواحی و اقوام، چشم آنان را به بسیاری واقعیت‌ها خواهد گشود. مطالعه تاریخ ملیت‌های دیگر و برقراری ارتباط با آن‌ها، جز با فراگیری زبان مشترک امکان‌پذیر نخواهد بود.

#### ۶-۳- تنوع هنری

هر یک از اقوام و ملیت‌های مختلف در ایران، گوشه‌ای از هنر این سرزمین را در دست دارند؛ صنایع دستی، معماری، موسیقی و ادبیات فولکلور در اقوام مختلف شکوفا می‌شود. یکی از برجسته‌ترین شاخه‌های هنر ایرانی، هنر معماری است که در برخی مناطق، به نماد فرهنگی تبدیل شده است. وجود تخت جمشید و پاسارگاد در شیراز و بناهای تاریخی در اصفهان که معماری کم‌نظیری دارند، سبب جذب توریست بسیار در این نواحی شده است. «معماری

متفاوت است؛ زیرا در این ارتباطها و آشنایی‌ها، نقاط مشترک بسیاری شناخته شده، نقاط قوت ملیت‌های مختلف به اشتراک گذاشته خواهد شد. نتیجه نهایی همه این تبادلات فرهنگی، هدایت و جهت‌دهی تنوع فرهنگی اقوام گوناگون و رسیدن به یک فرهنگ مرکزیت‌محور است. البته توجه به این نکته بسیار ضروری است که اگر فرهنگ‌های غالب ملی تلاش کنند که با تحت سیطره در آوردن فرهنگ‌های محلی، آن‌ها را وادار به تقلیل یافتن و تحلیل رفتن کنند و احساس تهدید شدن و خطر انقراض را القا نمایند، با تمایلات شدید نوزایی و حتی با فاصله گرفتن آن‌ها از فرهنگ غالب روبه‌رو خواهند شد؛ بنابراین چنین ارتباطاتی باید در قالب تعامل انجام شود تا بدون حذف و ضعیف ساختن خرده‌فرهنگ‌ها، آن‌ها را از تعصبات قومی دور سازد و به سوی فرهنگی محوری سوق دهد.

## مراجع

- [1] Hajiyani, Ebrahim (2000). Sociological Analysis of National Identity in Iran and a few Hypotheses. FaslnameMotaleateMelli, Sale Dovvom, Sh 5, ss 193-228.
- [2] Rooholamini, Mahmood (1989). The Field of Culture: Authoring in Cultural Anthropology and Ethnology. Tehran: Attar, ChAwal.
- [3] Jalayipour, Hamid Reza (1996). Basic Issues, National Identity and Ethnic Groups in Iran of the Rise of Ethnic.MajalleyeSiyasateKhareji, Doreye 10, sh 1, s 511.
- [4] Soleymani, Ghahraman (2003). Editor's Note.Nameyeparsi, Sh 29, ss 5-6.
- [5] Altai, Ali, (2003). Ethnic Identity Crisis in Iran. Tehran: Shadegan.
- [6] Katom, Richard (1992). Nasyonalizm in Iran, Translation Ahmad Tadayyon. Tehran: Kavir.
- [7] Nilipour, Reza (Bita). Pathology Way of Teaching Persian Language.NameyeFarhang, Sh 48.ss 148-151.
- [8] Zarrinkoob, Abdolhoseyn (1983). Iran History After the Islamic. Tehran: Amir kabir.
- [9] Ghamari, Daryoush (2005). National Unity in Iran. Tehran: MoasseseyeMotaleateMelli.
- [10] Danayi, Mohammad Hoseyn( Bita). The Relationship Between Culture and the Economy. Bank vaEghtesad, Sh 15. ss 6-7.
- [11] Esmit, Antoni di (2004). Nasyonalizm, Translation Mansour Ansari. Tehran: TamaddoneIrani.
- [12] Madadpour, Mohammad (1998). Wisdom and Spiritual Aspects of Art. Tehran: DaftareMotaleateDiniyeHonar.